

پس از آنکه وزیر اطلاعات اعلام کرد ایران به اسناد مهمی در حوزه‌های مختلف از جمله برنامه‌های هسته‌ای اسرائیل دست‌یافته است درحالی‌که مقامات رژیم صهیونیستی تاکنون در این باره سکوت کرده‌اند، رافائل گروسی دبیرکل آژانس این ادعای ایران را تأیید کرد. رافائل گروسی، در نشست خبری دوشنبه‌شب از «شواهد قاطعی» خبر داد که نشان می‌دهد اسناد بسیار محرمانه آژانس از چند سال پیش به دست مقامات ایرانی افتاده است. او مدعی شد: «ما توانستیم به‌روشنی تشخیص دهیم که این اسناد که متعلق به آژانس بوده‌اند در اختیار ایران قرار گرفته‌اند و ایران فعلاً آن‌ها را جمع‌آوری و تحلیل کرده است.»

وی در بخشی از اظهارات خود گفت: «شواهد قاطع وجود دارد که ایران مقادیر زیادی اسرار هسته‌ای را از اسرائیل خارج کرده است.» خبر دستیابی به این اسناد که در آن شواهدی از روابط آژانس با اسرائیل برای اتهام‌زنی به ایران نیز موجود است در حالی منتشر شده که مدیرکل آژانس و نمایندگان سه کشور اروپایی با حمایت آمریکا در حال تصویب یک قطعنامه ضدایرانی در شورای حکام بوده تا مسیر حرکت به سمت فعال‌سازی مکانیسم ماشه در شورای امنیت را هموار کنند. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی سال‌هاست که علی‌رغم اختصاص ۲۲ درصد نظارت‌های خود به برنامه هسته‌ای ایران مدام با استناد به اسناد جاسوسی و جعلی رژیم صهیونیستی که حتی عضو معاهده منع گسترش سلاح‌های اتمی نیز نیست در مورد برنامه هسته‌ای ایران ابرازنگرانی می‌کند. ایران با ارائه‌شواهد و پاسخ‌های فنی به اتهامات آژانس، تلاش کرده است جایگاه خود را به‌عنوان یک بازیگر مسئول در چهارچوب NPT تقویت کند. بااین‌حال تداوم فشارهای سیاسی و قطعنامه‌های شورای حکام می‌تواند مسیر دیپلماسی را دشوارتر کند. حل این مناقشه نیازمند گفت‌وگوی شفاف، احترام به حقوق هسته‌ای ایران و پایان‌دادن به اسناداردهای دوگانه در نظارت بر برنامه‌های هسته‌ای منطقه‌ای است.

■ ■ ■

== اسناد شما دست اسرائیل چه می‌کند آقای همیشه نگران؟! ==

گروسی در اظهاراتی که دوشنبه‌شب در مورد ماجرای خروج اسناد مرتبط با فعالیت‌های هسته‌ای اسرائیل مطرح کرده بود. این موضوع را «مایه نگرانی عمیق» خواند و گفت که این اسناد به سال‌های گذشته بازمی‌گردد، اما جزئیات بیشتری در باره‌زمان دقیق یا محتوای آن‌ها ارائه نکرد. علت نگرانی عمیق گروسی را باید در متن بیانیه وزارت اطلاعات جست‌وجو کرد. در این بیانیه علاوه بر اینکه به اسناد همکاری کشورهای اروپایی و آمریکا با رژیم صهیونیستی بر سر توسعه برنامه تسلیحاتی این رژیم اشاره شده تا ادعای نگرانی آن‌ها در مورد برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران زیر سؤال برود همچنین آمده است که «از جالب‌ترین اسناد به‌دست‌آمده، گزارش‌های متعدد و دروغین رژیم جنایت‌کار صهیونیستی به برخی نهادهای بین‌المللی «علیه برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای کشورمان» است و جالب‌تر از آن، انعکاس عین همان دروغ‌پرداز‌ی‌های مزورانه رژیم در گزارش‌ها و ادعاهای آن نهادهاست!» دسترسی ایران به اسناد محرمانه آژانس در اسرائیل به معنای نقص جدی امنیت اطلاعات این نهاد است. این موضوع که سال‌هاست گریبان ایران را گرفته و به‌عنوان مسیری برای اتهام‌زنی و تحت‌فشار قرارگرفتن تهران به کار گرفته می‌شود اکنون مستندتر اثبات شده و می‌تواند اعتبار آژانس را به‌عنوان یک نهاد بی‌طرف و حرفه‌ای در نظارت بر فعالیت‌های هسته‌ای جهانی بیش‌ازپیش مخدوش کند؛ چراکه نشان‌دهنده سوءاستفاده از آژانس توسط برخی دولت‌ها برای پیشبرد اهداف سیاسی است و بی‌طرفی این نهاد را زیر سؤال می‌برد. این یعنی اقدام اطلاعاتی ایران علاوه بر ضربه‌ای که به اسرائیل‌زده در جهت رسوایی مسئولین این نهاد بین‌المللی نیز کاربرد دارد.

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

برای تحلیل ابعاد امنیتی پیروزی اطلاعاتی ایران بر رژیم صهیونیستی در خارج کردن اسناد اطلاعاتی مرتبط با حوزه‌های مختلف از جمله هسته‌ای با منصور براتی، کارشناس حوزه اسرائیل به گفت‌وگو پرداخته‌ایم.
مشروح این گفت‌وگو را در ادامه از نظر می‌گذرانید.

■ ■ ■

پیروزی اطلاعاتی اخیر ایران تاچه حد می‌تواند تصویر برتری اطلاعاتی که پیش از این اسرائیل مدعی آن بود را خراب کرده و موازنه در این بعد از نبرد را تغییر دهد؟

از گذشته، تقابل میان ایران و اسرائیل عمدتاً در حوزه تهدیدات امنیتی و عملیات پنهانی یا به اصطلاح «کاورت اکشن» (Covert Action) بوده است. کمتر شاهد بوده‌ایم که این تقابل به‌درگیری مستقیم منجر شود، به‌ویژه پیش از رویدادهای هتمه اکتبر ۲۰۲۳. عملیات‌هایی مانند «وعده صادق» و پاسخ‌هایی که اسرائیل به آن داد، نمونه‌هایی از درگیری‌های مستقیم پس از این تاریخ هستند. اما تا پیش از هفتم اکتبر، تقابل نظامی مستقیم وجود نداشت. به‌طور کلی، این درگیری‌ها در منطقه‌ای که به آن «منطقه خاکستری» می‌گویند، رخ می‌داد. در این منطقه، دو طرف سعی می‌کردند از طریق نیروهای دیگر یا عملیات‌های غیرمستقیم به یکدیگر ضربه بزنند. این اقدامات شامل عملیات‌های امنیتی-اطلاعاتی، نفوذ امنیتی، حملات سایبری، ترور و خرابکاری بود. اسرائیل به دلیل سابقه طولانی در عملیات‌های مخفی، حتی پیش از تأسیس رسمی خود، در این حوزه بسیار ماهر و با تجربه است و از این مهارت برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کند. این تقابل میان ایران و اسرائیل، به‌ویژه پس از سقوط صدام حسین در سال ۲۰۰۳، شدت گرفت، زیرا اسرائیل ایران را به‌عنوان اصلی‌ترین تهدید خود در منطقه شناسایی کرد. این راستا، اسرائیل اقداماتی مانند خرابکاری، ترور، سرقت اسناد، استفاده از شبکه‌های ارادل و اوباش در داخل ایران برای تخریب و حتی بهره‌گیری از شبکه‌های قاچاق کالا برای وارد کردن سلاح‌هایی که در ترور افرادی مانند آقای فخری‌زاده استفاده شد، انجام داده است. این اقدامات همگی در دسته عملیات‌های پنهانی یا «کاورت اکشن» قرار می‌گیرند و بخش مهمی از تقابل ایران و اسرائیل را تشکیل می‌دهند.

از اواخر سال ۲۰۱۹، این تقابل شدت بیشتری گرفت و پس از هفتم اکتبر ۲۰۲۳، انگیزه اسرائیل برای انتقام‌گیری از گروه‌ها، اشخاص و دولت‌هایی که به نظرش در شکست امنیتی-اطلاعاتی آن روز نقش داشتند، افزایش یافت. این امر باعث تشدید روند تقابل شد. در این میان، اسرائیل به دلیل تبحر و تجربه‌اش در عملیات‌های امنیتی-اطلاعاتی، تا حد زیادی برتری داشت و شرایطی یک‌طرفه ایجاد کرده بود. در مقابل، توانمندی اصلی ایران در حوزه



== البینه علی المدعی ==

رافائل گروسی در گزارش اخیر خود در باره برنامه هسته‌ای ایران، بار دیگر ادعاهایی را مطرح کرد که از سال‌ها پیش در گزارش‌های آژانس تکرار شده‌اند. او در این گزارش که در پاسخ به قطعنامه نوامبر ۲۰۲۴ شورای حکام تهیه شده بود، به کشف ذرات اورانیوم در مکان‌هایی اشاره کرد که به ادعای او، پیش‌تر توسط ایران اعلام نشده بودند. گروسی مدعی شد ایران یا به سؤالات آژانس پاسخ نداده یا پاسخ‌های فنی معتبر ارائه نکرده است. او همچنین اظهار داشت که آژانس نمی‌تواند با اطمینان اعلام کند که آیا این مواد هسته‌ای همچنان خارج از چارچوب پادمان‌های NPT باقی مانده‌اند یاخیر. این گزارش در حالی منتشر شد که ترونی‌کای اروپایی با حمایت آمریکا در حال آماده‌سازی پیش‌نویس قطعنامه‌ای علیه ایران برای ارائه به شورای حکام بودند. این قطعنامه که ظاهراً با هدف فشار بر ایران برای همکاری بیشتر با آژانس تهیه شده، بخشی از تلاش‌های غرب برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه در توافق هسته‌ای (برجام) است. این اقدامات در شرایطی صورت می‌گیرد که ایران بارها اعلام کرده برنامه هسته‌ای‌اش کاملاً صلح‌آمیز است و هیچ‌گونه فعالیت غیرقانونی در این زمینه نداشته و نظارت‌های شدید آژانس نیز سندی خلاف این را ارائه نداده، یعنی آژانس در حالی از ایران می‌خواهد برای اثبات صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های خود دسترسی‌ها و شواهد بیشتری ارائه بدهد که تاکنون هیچ استدلال و سند متقنی در این باره ارائه نکرده است.

== جاسوس بازی در تورقوزآباد ==

بهرورز کمالوندی، سخنگوی سازمان انرژی اتمی ایران در پاسخ به گزارش اخیر آژانس، اظهارات مهمی را در یک برنامه تلویزیونی مطرح کرد. او با اشاره به تاریخچه مناقشات هسته‌ای ایران، توضیح داد پس از اضمای برجام در سال ۲۰۱۵، تمامی اتهامات علیه برنامه هسته‌ای ایران حل‌وفصل شده بود. بااین‌حال، پس از خروج آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸ و کاهش تعهدات ایران در پاسخ به این اقدام، کشورهای غربی بار دیگر فشارهای خود را از طریق صدور قطعنامه‌ها و درخواست بازرسی از مکان‌های خاص در ایران افزایش دادند.

کمالوندی تأکید کرد ایران با وجود عدم ابرار مدارک متقن از سسوی آژانس برای ادعاهایش، به بازرسان این نهاد اجازه بازدید از مکان‌های موردنظر داده‌است. او افزود آلودگی‌های مشاهده‌شده در این بازرسی‌ها که به ادعای آژانس حاوی ذرات اورانیوم بوده‌اند، مواد غنی‌شده نبوده و صرفاً مواد طبیعی بوده‌اند که در بسیاری از نقاط جهان

سندهای جدید از همکاری آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با صهیونیست‌ها، اعتبار حرفه‌ای این سازمان را بیش از قبل مخدوش می‌کند

دوگانه‌سوز

نیرویی بسیار ویرانگر لازم است. «اگر چه تبادل اطلاعات بین اسرائیل و آژانس همواره برقرار است؛ اما اینکه مدیرکل آژانس به جای محکومیت رسماً چنین اظهاراتی را مطرح کند نشان می‌دهد که از نظر آژانس نیز اگر امکانش وجود داشته باشد باید تأسیسات هسته‌ای ایران هدف قرار بگیرد منتها فقط پیچ‌درپیچ بودن آن مانع این هدف قرار دادن است نه حقوق هسته‌ای و قوانین منع اشاعه‌ای که آژانس مدعی پایبندی به آن است. اظهارات گروسی و گزارش‌های اخیر آژانس نشان‌دهنده تداوم رویکرد سیاسی در قبال ایران است. این رویکرد که تحت‌تأثیر فشارهای آمریکا و اسرائیل است، می‌تواند مذاکرات غیرمستقیم با آمریکا و همچنین تعاملات با آژانس را پیچیده‌تر کند. ایران با راه‌ا اعلام کرده که آماده همکاری با آژانس است، اما این همکاری باید در چهارچوب احترام متقابل و بدون فشارهای سیاسی باشد در غیر این صورت گزینیه‌های متعددی برای پاسخ به این سیاسی‌کاری‌ها روی میز تصمیم‌گیری ایران وجود دارد که می‌تواند فعال شود.

== این کار بزرگ پیوست رسانه‌ای دقیق می‌خواهد ==

یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت و هر دستاورد بزرگ، در حوزه نظامی، اطلاعاتی یا سیاسی، نحوه ارائه آن به جامعه و افکار عمومی است. در مورد دستاورد اخیر ایران در حوزه اطلاعاتی، که ضربه‌ای سنگین به رژیم صهیونیستی وارد کرده و حتی با شکست ۷ اکتبر مقایسه شده است، فقدان یک پیوست رسانه‌ای منسجم و حرفه‌ای به شدت احساس می‌شود. بررسی موارد مشابه در گذشته، مانند عملیات‌های موشکی «وعده صادق یک» و «وعده صادق دو»، نشان‌دهنده الگویی تکراری از ضعف در اطلاع‌رسانی است. در مورد دستاورد اطلاعاتی اخیر نیز، فقدان برنامه‌ریزی پیشینی و استراتژی رسانه‌ای مشخص، باعث شده تا این پیروزی بزرگ در حد چند بیانیه کوتاه و توضیحات حداقلی از سوی وزیر اطلاعات باقی بماند. این در حالی است که جامعه جهانی تشنه اطلاعات دقیق‌تر و ملموس‌تر در باره ماهیت و اهمیت این اسناد است و ارائه بهنگام اطلاعات دقیق به ویژه در مورد همکاری کشورهای غربی و آژانس انرژی اتمی با رژیم صهیونیستی در برنامه هسته‌ای غیر صلح‌آمیز این رژیم می‌تواند ضربه‌ای کاری محسوب شود به ویژه که این دولت‌ها در حال تدوین و تصویب یک قطعنامه ضد ایرانی دیگر در شورای حکام آژانس هستند. اسناد همچنین می‌توانستند به‌صورت دسته‌بندی‌شده و با ارائه بخشی قابل انتشار در قالبی حرفه‌ای، به ابزاری برای تقویت اعتماد عمومی و جلوگیری از ایجاد ترس از تهدیدات اسرائیل در فضای داخلی تبدیل شوند. در مقابل، رژیم صهیونیستی در بهره‌برداری رسانه‌ای از دستاوردهای خود، مانند سرقت اسناد هسته‌ای ایران، نشان داده که چگونه می‌توان با برنامه‌ریزی دقیق، یک عملیات را به ابزاری برای تأثیرگذاری جهانی تبدیل کرد. اسرائیل با انتشار اسناد اغراق‌آمیز و مبهم و استفاده از صحنه‌آرایی‌هایی حداکثری مانند سخنرانی تانیا‌هو در سازمان ملل، توانسته روایت جعلی خود در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران را عمومیت ببخشد. عدم ارائه توضیحات کافی در باره سطح و محتوای اسناد، سؤالات بی‌پاسخ زیادی در جامعه ایجاد کرده است. هرچند فاش کردن جزئیات حساس ممکن است به مصلحت نباشد، اما ارائه یک روایت کلی و شفاف می‌توانست به اثرگذاری هرچه بیشتر این دستاورد کمک کند. این ضعف رسانه‌ای، ریشه در نگاه غیراستراتژیک به رسانه در ساختار تصمیم‌گیری کشور دارد. در شرایطی که دستاوردهای بزرگ می‌توانند به عاملی برای انسجام ملی و کاهش تأثیر روانی اقدامات دشمن تبدیل شوند، کم‌توجهی به پیوست رسانه‌ای باعث هدررفت پتانسیل اجتماعی این پیروزی‌ها می‌شود. برای جبران این کاستی، لازم است نهادهای مسئول با بهره‌گیری از متخصصان رسانه‌ای، برنامه‌ریزی دقیق‌تری برای اطلاع‌رسانی دستاوردها انجام دهند تا روایتی منسجم، باورپذیر و اثرگذار به جامعه ارائه شود. در این صورت دستاوردهای بزرگ اطلاعاتی در سطح عملیات ۷ اکتبر می‌توانند جایگاه واقعی خود را در اذهان عمومی پیدا کنند.

منصور براتی، کارشناس مسائل اسرائیل ابعاد ماجرای خروج اسناد اطلاعاتی گسترده از سرزمین‌های اشغالی را تحلیل کرد

موازنه نبرد اطلاعاتی به نفع ایران تغییر کرد

مقام‌ها و رسانه‌های اسرائیلی تاکنون در این باره اظهار نظر خاصی نکرده و سعی کرده‌اند از کنار آن عبور کنند. علت این موضوع چگونه تحلیل می‌شود؟

رسانه‌های اسرائیلی نیز به این موضوع پرداخته‌اند، اما نحوه پوشش آن‌ها قابل توجه است. آن‌ها صرفاً ادعاهای ایران را بازتاب می‌دهند و می‌گویند «ایران ادعا کرده است» بدون اینکه تحلیل یا نظر خود را ارائه کنند. حتی مقامات اسرائیلی نیز در این مورد اظهارنظر نکرده‌اند و نه تأیید و نه تکذیب کرده‌اند. این سکوت نشان‌دهنده جدی بودن موضوع است. حتی رسانه‌های منتقد در اسرائیل، مانند روزنامه هآرتص که در مسائل مرتبط با جنگ غزه انتقادات تندی علیه تانیا‌هو مطرح می‌سازد و مواضعی مانند لزوم پایان جنگ یا تشکیل دولت فلسطینی بر اساس مرزهای ۱۹۶۷ را بیان می‌کند، در این مورد خاص تنها به تکرار ادعاهای ایران اکتفا کرده‌اند. این رفتار نشان می‌دهد که گویا یک دستورالعمل یا سیاست رسانه‌ای متمرکز در اسرائیل وجود دارد که به رسانه‌هایدیکه می‌کند چگونه به این موضوع بپردازند. به نظر می‌رسد اداره سانسور نظامی اسرائیل (که نقش مهمی در کنترل اطلاعات دارد) به‌طور کامل بر این موضوع نظارت دارد و آن را مدیریت می‌کند. این رویکرد چندان عجیب نیست. برای مقایسه، می‌توان به حمله موشکی یمن به فرودگاه بن‌گوریون اشاره کرد. آن حمله غیرمنتظره بود و موشک از لایه‌های دفاعی اسرائیل عبور کرد و به هدف اصابت کرد. افرادی که در فرودگاه بودند، ویدئوهایی ضبط کردند و از طریق این ویدئوها بود که اهمیت و شدت حادثه مشخص شد. در آن مورد، چند ساعت طول کشید تا اسرائیل بتواند اوضاع را کنترل کند و سانسور اطلاعاتی را اعمال کند. اما در مورد سرقت اسناد، وضعیت متفاوت است. وقتی کشوری موفق به نفوذ و سرقت اسناد مهم از کشور دیگر می‌شود، دولت هدف (در اینجا اسرائیل) به‌سرعت متوجه این اتفاق می‌شود و بلافاصله اقدامات امنیتی و سیاست رسانه‌ای خود را تعریف می‌کند. این سیاست از پیش برنامه‌ریزی‌شده است تا در صورت افشای چنین اتفاقی توسط طرف مقابل واکنش‌ها کنترل‌شده باشد. اگر ایران تصمیم بگیرد این اسناد را در زمان دیگری منتشر کند، اسرائیل از قبل برای این سناریو آماده است و خود نیز به‌صورت علنی به موضوع اشاره نمی‌کند، زیرا این کار برایش از نظر امنیتی و حیثیتی زیان‌بار است. این واکنش اسرائیل نشان می‌دهد که آن‌ها از قبل برای چنین اخباری آمادگی داشتند و سیاست رسانه‌ای مشخصی را برای مدیریت آن تدوین کرده‌اند. اما اینکه این دستاورد ایران تا چه حد وزن و اهمیت دارد، هنوز به‌طور دقیق

مشخص نیست. برای ارزیابی دقیق‌تر، باید منتظر ماند تا حداقل بخش کم اهمیت‌تر این اسناد منتشر شوند. این کار به ما امکان می‌دهد درک بهتری از محتوای اسناد و تأثیر آن بر موازنه میان ایران و اسرائیل داشته باشیم. مشابه این اتفاق، زمانی رخ داد که اسرائیل اسنادی از ایران سرقت کرد و بخش کم‌اهمیت آن را در قالب یک کتاب منتشر کرد که اکنون فایل PDF آن در دسترس است. از این طریق، اسرائیل توانست روایت خود را تثبیت کند. حالا باید دید این چگونه از این اسناد استفاده خواهد کرد و چه تأثیری بر تقابل دو طرف خواهد گذاشت.

در بعد رسانه‌ای این ماجرا، ایران چگونه عمل کرده است؟ آیا جای خالی یک پیوست رسانه‌ای برای هرچه بهتر بازنمایی کردن شکست اطلاعاتی اسرائیل احساس نمی‌شود؟

برای دستاوردی به این بزرگی لازم بود یک پیوست رسانه‌ای متعادل، پیش‌بینی‌شده و دارای بخش‌های مختلف، تدوین شود. متأسفانه چنین چیزی مشاهده نمی‌کنیم. یک رویداد یا این اهمیت در حال رخ دادن است، اما به‌درستی به آن پرداخته نمی‌شود. مشخص است که از قبل برای این موضوع برنامه‌ریزی نشده است. من این مسئله را به این موضوع ربط می‌دهم که در جمهوری اسلامی ایران، رسانه به‌درستی درک نمی‌شود و اهمیت آن به اندازه کافی در نظر گرفته نمی‌شود. به همین دلیل، این موضوع در سطحی جدی گرفته نشده و برای آن برنامه‌ریزی صورت نگرفته است. چنین پیروزی یا دستاورد بزرگی، که مقامات ایرانی در باره آن صحبت می‌کنند، قطعاً نیاز به یک پیوست رسانه‌ای دارد تا جامعه آن را باور کند، به‌گونه‌ای که کل جامعه این موضوع را بپذیرد. این اطلاع‌رسانی باید به شکلی باشد که حس ترس ناشی از اقدامات اسرائیل در بخش‌های امنیتی این موضوع به عاملی برای تشدید شکاف‌های اجتماعی تبدیل نشود. مثلاً گروهی از منتقدان آن را بساور کنند و گروهی از طرفداران بیش از حد به آن اطمینان کنند. باید اطلاع‌رسانی به گونه‌ای باشد که همه جامعه آن را باور کنند. جامعه اکنون سسؤالاتی دارد که پاسخ داده نشده‌اند، مثلاً اینکه این اسناد در چه سطحی هستند؟ هیچ توضیح رسمی در باره محتوای اسناد ارائه نشده است تا مردم بفهمند این اسناد چه چیزی را فاش می‌کنند. طبیعی است که ایران ممکن است نخواهد جزئیات حساس مانند اسم‌ای یا موارد خاص را فاش کند و این اشکالی ندارد، اما باید حداقل توضیح دقیق‌تری در باره ماهیت اسناد ارائه شود تا مردم درک بهتری از اهمیت آن داشته باشند. عملیاتی که به لحاظ اطلاعاتی شکستی هم‌وزن با ۷ اکتبر را به اسرائیل تحمیل کرده است نیاز به پیوست رسانه‌ای دارد.